

تحلیل جامعه‌شناختی رفتار شهرگرایی زنان شهر تهران

یعقوب موسوی*، اعظم پاک خصال**

چکیده: شهرگرایی با همه مظاهر، پیچیدگی‌ها و مسائل مختلف خود توانسته است آثار عمیق بر رفتار و کنش شهروندان ایجاد کند. این بررسی در نظر دارد تا مسئله‌ی رشد فرهنگ شهرگرایی را در مطالعه‌ی جامعه‌شناختی و با روش پیمایشی در بین گروه زنان بررسی نماید. به نظر می‌رسد زنان از لحاظ پذیرش، درونی کردن و بازنمایی بخشی از ایستارهای فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهای شهرگرایی، شرایط خاص و قابل مطالعه‌ی دارند. در این نوشتار تلاش می‌شود با تحلیل یافته‌های تحقیق، الگوها و شاخص‌های اساسی زنان شهرنشین در ارتباط با شهرگرایی مورد بررسی قرار گیرد. سطح تحلیل در این پژوهش، خرد و واحد تحلیل، فرد است. حجم نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر از زنان ۲۰-۵۰ ساله‌ی ساکن در سه منطقه‌ی شهر تهران است که به صورت تصادفی و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش مبین وجود رابطه‌ی معنادار بین شهرگرایی و از خودبیگانگی فردی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی و افزایش فردگرایی و کاهش پیوند عاطفی در بین زنان است.

واژگان کلیدی: شهرگرایی، ایستار فرهنگی، از خودبیگانگی، انسجام اجتماعی، فردگرایی.

مقدمه و طرح مسئله

در دهه‌های اخیر شهرنشینی و تغییرات فرهنگی ناشی از آن یعنی شهرگرایی به شکل غالب و تعیین کننده‌ی زندگی افراد در بسیاری از جوامع است. بر اساس یافته‌های سازمان ملل بیش از نیمی از جمعیت جهان ساکن در شهرها هستند (هویت- انترنشنال، ۲۰۰۵: ۱۹۲). بر حسب بررسی‌های انجام شده تا سال ۱۹۰۰ از هر هشت نفر، فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کرد؛ اما در پایان قرن بیستم نیمی از جمعیت جهان، شهرنشینی را به عنوان شیوه زندگی خود انتخاب کرده‌اند و مهم‌تر آنکه دو سوم از این جمعیت، در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند (گیلبرت و گاکلر، ۱۳۷۵: ۷).

mousavi35@yahoo.com

azam_pakkhesal@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۶

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲۱

توسعه شهرنشینی و در نتیجه گسترش فرهنگ شهرگرایی، یکی از نمودهای زندگی دوران جدید و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات است، به گونه‌ای که این موضوع به یکی از دل‌مشغولی‌های بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون در قبال پیامدهای منفی فرآیند توسعه شهرگرایی تبدیل شده است (ممتاز، ۱۳۷۹: ۳). ساختار پیچیده شهرها در دوران جدید، اشکال پیچیده‌ای از سلوک، رفتار و کنش انسانی را با خود همراه آورده است. فرهنگ شهرگرایی علی‌رغم ظرفیت فراوان در تأمین پاره‌ای از اصلی‌ترین نیازهای زیستی و اجتماعی، به دلایل مختلف جامعه‌شناختی زمینه‌ی بروز انواعی از اختلالات رفتاری و شخصیتی را برای بسیاری از ساکنین شهرها ایجاد نموده است که بارزترین نمونه آن، تمایل افراد به استقلال رفتاری و افزایش عدم هم‌نوایی اجتماعی است.

شهرنشینی پدیده‌ی خنثی از جنبه‌ی جنسیتی نیست، بلکه به گونه‌ای خاص بر زندگی اجتماعی و فردی زنان تأثیر می‌گذارد. گروه اجتماعی زنان ساکن در شهر بخش مهم و تعیین‌کننده‌ای را از لحاظ کارکرد اجتماعی تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم و تأثیرگذار با گروه‌های سنی کودکان، نوجوانان و جوانان و نیز تعامل و تأثیر با بخش مهم دیگر از جمعیت شهرنشین یعنی مردان، از مؤثرترین گروه‌های اجتماعی تلقی می‌گردند. بررسی مسائل و مشکلات کنونی در کلان‌شهرهای کشور بدون ارزیابی واقعی از فرآیند ظهور و بروز منش، شخصیت فرهنگی و اجتماعی آسیب‌پذیر زنان در شرایط کنونی توسعه شهری هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری را با موانع جدی روبرو می‌گرداند.

تعریف مفهومی و مبانی نظری

شناخت مفهومی پدیده شهرگرایی

شهرگرایی به معنای گرایش و علاقه شهرنشینان به انتخاب سبک جدیدی از زندگی اجتماعی اعم از ترکیب و عملکرد خانواده، راه‌های استفاده بهتر از منابع زندگی در محیط، همگرایی با ارزش‌های برخاسته از توسعه صنعت و اتومبیل، استفاده از سبک جدید مسکن و مانند آن در مراکز شهری است. ورت^۱ بر اساس نظر «شهرگرایی تنها به روند جذب شدن افراد گوناگون به مکان‌های تجمع و سکونت در شهر اطلاق نمی‌شود؛ این مفهوم همچنین گویای تمرکز نموده‌ها و شیوه‌های خاصی از زندگی است که به موازات رشد

1. Virth

شهرها صورت می‌گیرد و سرانجام به تغییراتی در شیوه‌ی زندگی شهری اطلاق می‌گردد که در میان مردم آشکار و برجسته هستند و این شیوه از طریق مؤسسات و نهادهای شهری و به کمک وسایل حمل و نقل و وسایل ارتباطی به سایر فضاها نیز راه یافته و هر روز افراد بیشتری را تابع شیوه شهری می‌سازد» (ورث، ۱۹۳۸: ۵). گوتدینر و بود^۱ شهرگرایی را یک شیوه‌ی زندگی می‌دانند که با صفاتی نظیر تراکم، تنوع و سازمان اجتماعی پیچیده مشخص می‌شود. آنان معتقدند این اصطلاح، امروزه اغلب به معنی فرهنگ شهرهاست (گوتدینر و بود، ۲۰۰۵: ۱۸۶). ارنست برگل و گلن بیر^۲ را بیان می‌کنند «شهرنشینی یک پوشش یا جریان انتقالی از روستا به شهر است، شهرگرایی به منزله پذیرش مجموعه شرایط و وضعیت‌های این گونه زندگی، مفهومی ایستاست، زیرا تأثیرات ژرف پوشش شهرنشینی و نتایج اجتماعی و شخصی زندگی در محیط‌های شهری و پیامدهای ناشی از انتقال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی یک جامعه در پی مدرنیزاسیون را ترسیم می‌کند (ادیبی، ۱۳۵۶: ۵۰-۴۹). در تعریف دیگر، شهرگرایی در مفهوم وسیع آن به همه‌ی ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیوه‌ی زندگی شهری اطلاق می‌شود (شکویی، ۱۳۷۳: ۷۶).

جامعه‌شناسان شهری، اقتصاددانان و نیز دانشمندان جغرافیای شهری هر یک تلاش داشته‌اند از دریچه‌ی علمی خود موضوع شهرنشینی و نتایج سترگ آن در حیات انسان دوره نوین را مورد بررسی قرار دهند. در ذیل تلاش می‌گردد به اختصار عمده‌ترین نظریه‌های مطرح شده در ارتباط با توسعه شهرنشینی و تغییر در شیوه زندگی در محیط‌های شهری مرور شود.

نظریه فردیناند تونیس

تونیس^۳ جامعه‌شناس کلاسیک شهری، مفهوم جامعه در دوران نوین را مترادف با زندگی شهرنشینی گرفته است. از نظر او علت دگرگونی‌های جوامع مختلف انسانی بیش از هرچیز ناشی از انواع روابط انسانی میان افراد است. او عمیقاً به تقسیم‌بندی گروه‌های انسانی بر مبنای روابط انسانی معتقد است. او جامعه روستایی را نوعی اجتماع^۴ با ویژگی کمی جمعیت و محدودیت دامنه‌ی مناسبات می‌داند که در نقطه مقابل آن جامعه شهری و یا زندگی شهرنشینی جدید قرار دارد. تونیس نوع دوم جامعه^۵ را با خصوصیت انبوهی

1. Gottdiener, M and L. Budd

2. Glenn H. Beyer

3. Toennies

4. Community & Gemeinschaft

5. society & Gesellschaft

جمعیت و گوناگونی روابط تعریف می‌کند. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که: «۱- مردم جامعه شهری غیر از عده‌ی معدودی که در زندگی روزانه‌ی خود با آن‌ها برخورد می‌کنند و ارتباط دارند سایر شهروندان و شهرنشینان را نمی‌شناسند. بر عکس اجتماع روستایی که تمام افراد یکدیگر را می‌شناسند. ۲- روابط افراد غیر شخصی است، یعنی اینکه ضابطه، عقلانیت، محاسبه‌پذیری، نظم بر روابط و تعاملات انسانی حاکم است. ۳- با توجه به دو ویژگی قبلی که در ساختار تعاملاتی خود با دیگر افراد در جامعه شهری دارند. شهروندان احساس هیچ‌گونه اشتراک و علایقی نسبت به هم ندارند؛ پس روابط انسانی سرد و بسیار کم‌رنگی بر ساختار زندگی‌شان حاکم است. ۴- افراد در ارتباطات نسبت به منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تعاملات و احساسات‌شان هیچ‌تعلقی را بروز نمی‌دهند. زیرا آن‌ها باید برای درآمد و وضعیت زندگی بهتر، از فضا یا مکانی به فضا و مکانی دیگر و حتی از شغلی به شغل دیگر دائماً در حال تغییر باشند که این تغییرات در ارتباط انسانی و اجتماعی‌شان هم بروز پیدا می‌کند. ۵- به دلیل اینکه افراد با سوابق و پیشینه‌های اجتماعی یکدیگر آشنا نیستند. بنابراین در برخورد و ارتباط انسانی‌شان به صورت یک غریبه و ناآشنا با یکدیگر رفتار می‌کنند. ۶- در جامعه‌ی شهرنشین، مردم با یکدیگر در ایفای نقش‌هایی که جامعه به آن‌ها محول کرده رابطه برقرار می‌کنند و همدیگر را می‌شناسند؛ خارج از این نقش‌ها افراد برای یکدیگر ناآشنا هستند.» (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۳۱)

نظریه دورکیم

نظریه امیل دورکیم^۱ از پدیده شهرنشینی و شهرگرایی برخاسته از رویکرد جامعه‌شناسی او از روابط کارکردی میان پدیده‌های اجتماعی است. دورکیم، در مبحث تقسیم کار اجتماعی به همبستگی مکانیکی در جوامع سنتی اشاره می‌کند که افراد به دلیل شباهت‌های بسیاری که میان آن‌ها است نوعی تجانس اجتماعی را با هم دارند و آنان از روابط انسانی و ارتباط اجتماعی همانند تبعیت می‌کنند که این روابط بر پایه اصل تقلید بنا شده است. دورکیم با توجه به تبیینی که در حوزه شهرنشینی انجام می‌دهد بر این عقیده است که در جامعه سنتی یا پیش‌صنعتی به دلیل اینکه وجدان جمعی از نفوذ و کنترل اجتماعی بسیاری در بین اعضای جامعه برخوردار است، همبستگی اجتماعی از نوع مکانیکی بسیار بالا است؛ در نتیجه روابط اجتماعی و انسانی که بین افراد بوجود آمده است، از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی قوی نشأت گرفته است و تخطی

^۱. Emiel Durkheim

از این قوانین و ارزش‌ها منجر به کنترل اجتماعی و مجازات خواهد شد. در مقابل در جامعه رو به شهرنشینی که از نقاط مختلف پذیرای مهاجران بسیاری می‌باشد، افراد با فرهنگ (ارزش‌ها- هنجارها- آداب و رسوم خاص و...) و گروه‌های اجتماعی مختلف با هم ارتباط برقرار می‌کنند و هر فرد بر هنجارها و ارزش‌های باور یافته خود تکیه می‌کند. روابط انسانی و تعاملات اجتماعی به صورت شخصی و فردی جهت دستیابی به اهداف و وسائل مورد نظر شکل می‌گیرد، بر این اساس در این جوامع شاهد رشد روابط فردی هستیم که آگاهی یا وجدان فردی را با خود به همراه می‌آورد؛ بر این اساس کنترل اجتماعی یا نظارت بر روابط افراد چندان پررنگ نیست و کنترل افراد برای جلوگیری از آسیب‌ها همراه با مجازات تنبیهی می‌باشد.» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۷۹-۱۷۸).

نظریه زیمل

زیمل^۱ از جمله اندیشمندان کلاسیک در میان جامعه‌شناسان است که دیدگاه‌های او در تحلیل از شهرنشینی جدید و تأملات او پیرامون ابعاد تهدید کننده فرهنگی و اجتماعی شهر مدرن در قبال ساکنین شهری بسیار گسترش یافته است. در میان پیشاهنگان نظریه انتقادی کیفیت شهری شدن، زیمل از نخستین کسانی است که متوجه پیامدهای دشوار و ناخوشایند شهرگرایی نوین شده است. او به تحلیل روانی انسان شهرنشین و چگونگی ارتباط میان شهرنشینان و در نهایت به مطالعه جهان اجتماعی و فرهنگی آن‌ها می‌پردازد. شهرنشینی متراکم و انبوه برای زیمل فرجامی غیر از سیطره فرهنگ اقتصاد پولی، افزایش عقلانیت ابزاری، مادی شدن روابط، از خودبیگانگی بیشتر و به حاشیه رفتن اخلاق و فداکاری نداشته است. به نظر او در شهر نوعی دلزدگی^۲ رواج دارد که ناشی از اقتصاد پولی و اشاعه‌ی تفکر حاصل از این پدیده در تمام عرصه‌های زندگی است و در واقع افراد در ارتباطات‌شان با یکدیگر با نوعی بی‌تفاوتی و خونسردی روبرو هستند که در جوامع کوچک‌تر کمتر مشاهده می‌شود. به نظر او تأثیراتی که مادر شهرها بر ساختار زندگی اجتماعی شهرنشینان می‌گذارد، عبارت است از: «۱. تحریکات عصبی ناشی از تغییر سریع محرک‌های بیرونی. ۲. نیاز به اتکاء به عقل و عقل‌گرایی، دقت و دقت‌سناسی. ۳. شیء‌وارگی انسان‌ها به دلیل اقتصاد پولی و عقلانیت حاکم بر زندگی شهری. ۴. تعلقات جزئی و خاص و برخوردهای احتیاط‌آمیز. ۵.

^۱. Simmel, G

^۲. Bales

احساس تنهائی، انزوا و ازخودبیگانگی و... ۶. ارزش زدایی از هنر و دیگر وجوه فرهنگ انسانی.» (شارع پور، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

نظریه بوم‌شناختی شهری

این نظریه شهری (شیکاگو) در امریکای دهه دوم قرن بیستم مطرح گردید و تلاش نمود تا به گونه‌ای تجربی و عینی مسائل و مشکلات برخاسته از شهرنشینی و شهرگرایی را به گونه‌ای علمی در قالب نظریه و مشاهده تجربی عرضه کند. پیامد آن تداوم مطالعات تجربی نوع جامعه شناختی شهری و ادامه سنت و روش مطالعه شهری توسط بسیاری دیگر بوده است. در واقع مهم‌ترین و با نفوذترین نظریه در مورد شهرگرایی، دیدگاه بوم‌شناختی شهری در جامعه‌شناسی شهری مکتب شیکاگو است. بسیاری آن را دیدگاه آنومی یا ناهنجاری شهری نامیده‌اند. پیروان این نظریه مدعی شدند که شهرگرایی، شیوه‌های جدیدی از زندگی اجتماعی را ارائه می‌کند و انسان‌های جدیدی پرورش می‌دهد. آنان شهر را موجب تبدیل گروه اولیه به ثانویه، تبدیل رابطه صمیمی به رابطه رسمی، تبدیل اهمیت نسب خانوادگی به تخصص حرفه‌ای و امثال آن دانسته‌اند. در مجموع این نظریه مدعی است که شهرنشینی باعث افزایش نابسامانی‌های شخصیتی و اجتماعی می‌شود. «به نظر رابرت پارک^۱ (از پایه گذاران مکتب شیکاگو) شهر، محور اصلی زندگی مدرن است. از نظر او شهرها از طریق فرآیندهای رقابت، تهاجم و جانشینی به صورت نواحی طبیعی سازمان می‌یابد. شدت تحرک و تراکم جمعیت شهری در بازار- مراکز تجاری شهر- به اوج خود می‌رسد. افزایش امکانات و تسهیلات مربوط به حمل و نقل و ارتباطات شهری در ارتباط متقابل و تنگاتنگ با دو عنصر تراکم و تحرک جمعیت، زایل کننده‌ی انگیزه‌های همسایگی است. به نظر پارک همین عناصر مترادف با حضور جرم، طلاق و اختلالات روانی‌اند و شاخص‌های مناسبی برای اندازه گیری آن نابهنجاری‌ها هستند» (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۵). رابرت پارک اکولوژی فضای شهری را به عنوان موزائیک دنیاهای اخلاقی و اجتماعی انزوا گزیده‌ای که هر یک مشخصات ویژه خود را دارند، به شرح می‌کشاند. اصل عدم تجانس مبتنی بر این واقعیت است که شهرها تنوع گسترده‌ای از ویژگی‌های فرهنگی و طبقاتی را با خود به همراه دارند. به علاوه شهرها تفاوت‌های اجتماعی را که محصول افزایش مشاغل تخصصی است بیشتر می‌گردانند. جمعیتی که در شهرها زندگی می‌کنند، به سختی می‌توانند همدیگر را بشناسند. آن‌ها بیشتر در شرایطی قرار

^۱. Park, R.E

تحلیل جامعه‌شناختی رفتار شهرگرایی زنان شهر تهران ۶۷

می‌گیرند که به آن‌ها اجازه داده می‌شود با یکدیگر در سطح روابط ابزاری و مصنوعی باقی بمانند (فلانگان، ۱۹۹۳: ۱۱). به نظر آنتونی گیدنز^۱ دو مفهوم از مفاهیمی که در «مکتب شیکاگو» پروارنده شد و شایسته توجه خاص و شایسته است، عبارتند از: رهیافت بوم‌شناختی^۲ به تحلیل شهری و دیگری تعریف شهرنشینی^۳ به منزله روش زندگی که توسط ورث ارائه شده است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۲۹). در این پژوهش با توجه به نظریات ارائه شده پنج مؤلفه کلیدی از منظر جامعه‌شناسان شهری استنباط و استخراج شده است که عبارتند از:

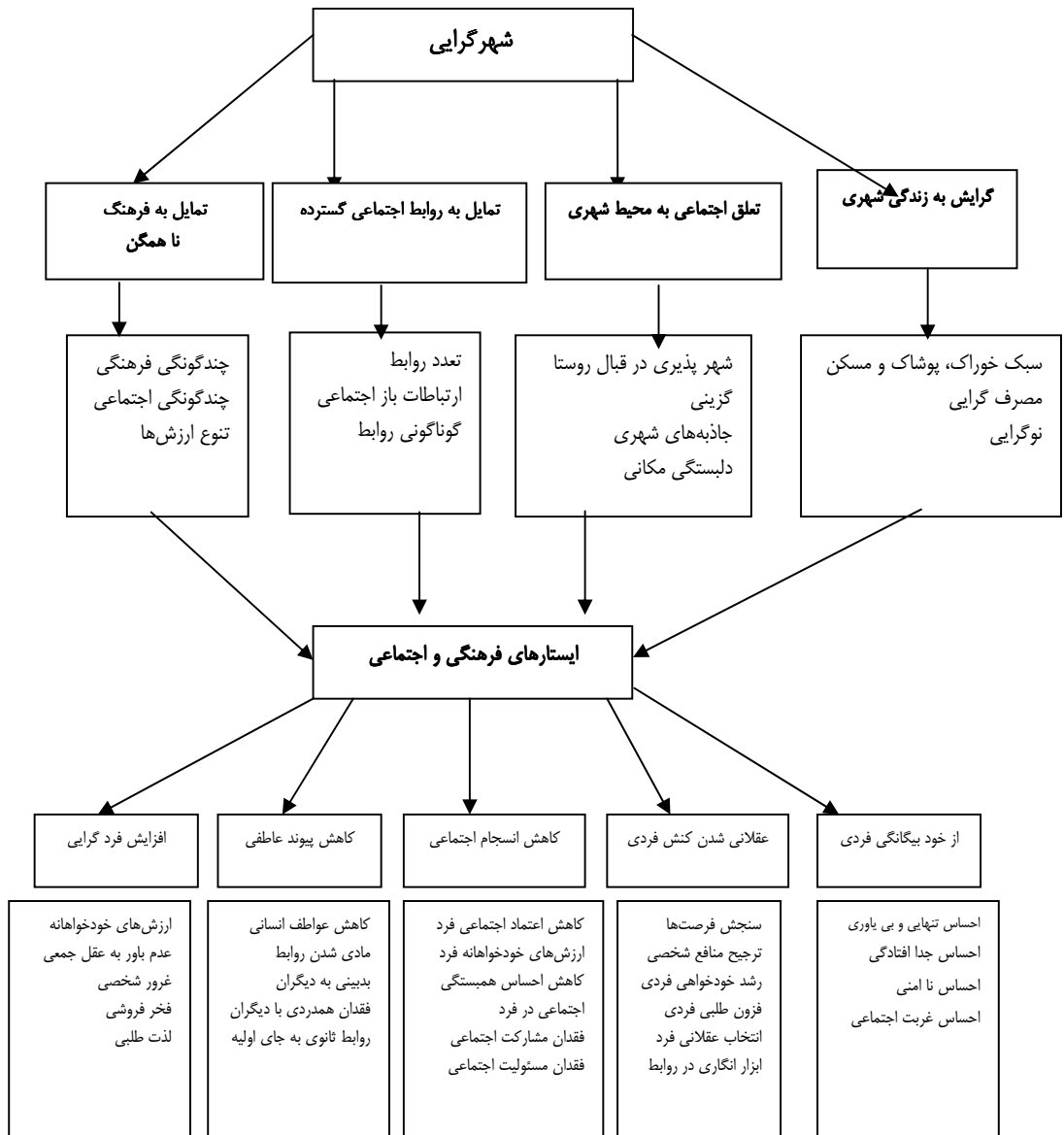
نظریه پردازان	ویژگی‌های شهر گرایی	آثار و نتایج
زیمل، وبر، ورث	از خودبیگانگی	احساس تنهایی، انزوا و بی‌یاوری، احساس جدا افتادگی، احساس ناامنی
تونیس، زیمل، پارک و ورث	عقلانی شدن کنش فردی	سنجش فرصت‌ها، انتخاب عقلانی، ابزار انگاری در روابط، رشد خودخواهی فردی، ترجیح منافع شخصی
تونیس، ورث	کاهش انسجام و پیوند اجتماعی	کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش احساس همبستگی اجتماعی در فرد، فقدان مشارکت اجتماعی، فقدان مسئولیت اجتماعی
زیمل، ورث	کاهش پیوند عاطفی	کمرنگ شدن عواطف انسانی، فقدان همدردی با دیگران، مادی شدن روابط، روابط ثانویه به جای اولیه
پارک، زیمل	فردگرایی	ارزش‌های خودخواهانه، غرور شخصی، فخرفروشی، لذت طلبی

^۱. Giddens, A

^۲. Ecological approach

^۳. Urbanization

نمودار شماره (۱): مدل تحلیلی تحقیق



فرضیات پژوهش

در این بررسی تلاش می‌شود مسئله تحقیق با استفاده از الگوی تبیین جامعه‌شناختی شهری از موضوع شهرگرایی در چارچوب عمده‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های معرف متغیرهای تحقیق به کمک تعدادی از فرضیه‌های قابل پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. بدیهی است فرضیات تحقیق، حسب امکان و شرایط انجام پژوهش در کلان شهر تهران طراحی شده‌اند و ممکن است در تحقیقات نوع مشابه، انواع دیگری از مؤلفه‌های تأثیرگذار مورد سنجش قرار گیرد. علت اصلی تحدید تحقیق به موارد فوق تأکید بر مؤلفه‌های کلیدی و مشترک در کار نظریه پردازان مورد بررسی بوده است.

به نظر می‌رسد بین میزان شهرگرایی و از خودبیگانگی زنان در محیط شهری رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان شهرگرایی و کاهش پیوند عاطفی میان زنان رابطه وجود دارد

به نظر می‌رسد بین میزان شهرگرایی و افزایش فردگرایی زنان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان شهرگرایی و افزایش کنش عقلانی زنان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.

تعاریف نظری و عملی متغیرهای وابسته

ایستار فرهنگی - اجتماعی زنان: متغیر وابسته در این تحقیق عبارتست از: ایستارهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان و از آنجایی که مفهوم نگرش یا ایستار دارای سه جزء یا بعد شامل شناختی، احساسی و رفتاری می‌باشد، در این بررسی ایستار در هر سه بعد آن و با توجه به محتوا و موضوعات فرهنگی و اجتماعی برخاسته از زندگی زنان در شهر مورد سنجش و بررسی قرار گرفته‌اند. شرح مختصر مؤلفه‌های مرتبط با ایستار فرهنگی و اجتماعی عبارت است از:

از خود بیگانگی

سیمن^۱ چند شاخص را برای شکل‌گیری از خود بیگانگی ارائه کرده است:

۱- بی‌قدرتی: به نظر می‌آید که فرد کنترل کمی بر حوادثی که رخ می‌دهد دارد.

۲- بی‌معنایی: فرد بر این احساس است که جامعه به اندازه کافی به او توجه ندارد.

¹. Seaman, M

۳- بی‌هنجاری: کاربرد و استفاده از وسائل نامشروع جهت رسیدن به اهداف به تدریج در جامعه رایج شده است.

۴- غربت فرهنگی^۱: عدم تمکین فرد از رعایت و پذیرش ارزش‌های رایج در اجتماع و گروه را غربت فرهنگی گویند.

۵- جدایی از خود: فرد به کارهایی دل‌مشغول می‌شود که جزء نیازهای واقعی و عینی او نیست.

۶- جدا افتادگی اجتماعی: فرد بر این احساس است که از طرف جامعه طرد شده است (سیمن، ۱۹۷۲: ۸۲).

فردگرایی

در جامعه شناسی فردگرایی نظریه‌ای است که بر پایه آن تمامی هستی اجتماعی در پیچیده‌ترین اشکالش با عمل آگاهانه و معطوف به هدف افراد و از طریق مناسبات انسان‌ها و روابط و واکنش‌های آن‌ها شکل می‌پذیرد. ارزش‌های خودخواهانه، لذت طلبی، کاهش پابندی به سنت، تفرد، حساب‌گری، خاص‌گرایی، نیل به هدف به هر وسیله‌ی ممکن، آرزوهای خودخواهانه، کاهش احساس مسئولیت اجتماعی نسبت به خانواده و کشور، توصیف‌کننده وضعیت رشد فردگرایی در جامعه شهری است.

کنش عقلانی

«کنش عقلانی به این معناست که فرد شهری بر مبنای احساس و عاطفه با دیگران رابطه برقرار نمی‌کند و اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد. فرد کاملاً عقل‌گرا نوعی بی‌تفاوتی نسبت به پدیده‌ها دارد و روابط عاطفی و شخصی را کمتر در امور دخالت می‌دهد» (زیمل، ۱۹۶۹: ۴۸).

کاهش پیوند عاطفی

در این نوع کنش، هدف یا نظامی از ارزش‌ها مبنای تعریف کنش نیست، بلکه کنش در واقع عبارت از واکنشی عاطفی است که فاعل کنش، در اوضاع و احوال معین نشان می‌دهد. به زعم وبر^۲ در این نوع از کنش نیت و معنای عمل در جهت تحقق نتیجه‌ی مشخصی از عمل است که به خاطر خود عمل انجام

^۱. Cultural Estranging

^۲. Veber

تحلیل جامعه‌شناختی رفتار شهرگرایی زنان شهر تهران ۷۱

می‌شود (آبراهامز، ۱۳۶۹: ۷-۳۵۴). معرف‌های تجربی مقوله‌ی کاهش پیوند عاطفی عبارتنداز: کاهش عواطف انسانی، مادی شدن روابط، بدبینی به دیگران، فقدان همدردی با دیگران، روابط ثانوی به جای اولیه.

تعاریف نظری و عملی متغیر مستقل (شهرگرایی)

زندگی در کلان شهر: منظور زندگی در شهرهای بزرگ به خصوص تهران می‌باشد که دارای ویژگی‌های خاصی نظیر تراکم جمعیتی، آلودگی، گرانی و گمنامی افراد می‌باشد.

گرایش به زندگی شهری: الف) سبک خوراک، پوشاک و مسکن ب) مصرف گرایی ج) نوگرایی

تمایل به روابط اجتماعی گسترده: الف) ارتباطات باز اجتماعی ب) تعدد روابط ج) گوناگونی روابط

تعلق مکانی به محیط شهر: الف) دلبستگی به محیط زندگی ب) ترجیح شهر به روستا ج) جاذبه‌های

فضای شهری

تمایل به فرهنگ ناهمگن: الف) چندگونگی فرهنگی ب) چندگونگی اجتماعی ج) تنوع ارزش‌ها

روش تحقیق، واحد تحلیل و نحوه گردآوری داده‌ها

روش تحقیق حاضر پیمایشی و واحد تحلیل، زنان ساکن در مناطق مختلف شهر تهران می‌باشند. از پرسشنامه ساختمندی به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در مجموع ۱۲۰ گویه در پرسشنامه تحقیق طراحی شده‌اند. پرسشنامه پس از انجام آزمون اولیه و اعمال اصلاحات لازم با استفاده از ضرایب آلفا مورد ارزیابی و اعتبار سنجی قرار گرفت. در مجموع سطح ۷۲٪ حاصل از روایی گویه‌ها در بخش متغیرهای مستقل و نیز ۷۶٪ در سطح سنجش اعتبار و ارزش شاخص‌های تعریف شده متغیر وابسته، مبین روایی و اعتبار گویه‌های تعیین شده در این تحقیق است.

جمعیت نمونه‌ی آماری

با توجه به حجم نمونه‌ی آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی استفاده شده است. بر این اساس ابتدا مناطقی از کل مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به منظور نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین جهت ابتدا سه منطقه از مناطق عمده‌ی شهر تهران که به لحاظ موقعیت متفاوت اقتصادی و اجتماعی تا حد قابل ملاحظه‌ای از یکدیگر متفاوت‌اند، انتخاب شدند. این مناطق عبارت بودند از منطقه ۲، منطقه ۱۲ و منطقه ۱۶ و سپس از هر منطقه‌ی بزرگ، ناحیه کوچک‌تری نمونه‌گیری و در نهایت کار به انتخاب نمونه‌های تصادفی از خانوارهای پاسخ‌گو منتهی گردید.

جامعه‌ی آماری در این تحقیق، زنان ۵۰-۲۰ ساله‌ی شهر تهران انتخاب شدند که تعداد آن‌ها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران ۳۴۹۰۲۱۰ نفر می‌باشد و حداقل زمان اقامت و زندگی آن‌ها در شهر تهران کمتر از بیست سال نبوده است. چرا که فرض بر آن است افراد پاسخ‌گو به اندازه‌ی کافی با شهر و شیوه و سلوک زندگی شهری تجانس کافی داشته و قادر به اظهار واقع بینانه از شیوه فرهنگی و اجتماعی زندگی در شهر مسکونی خود می‌باشند. با استفاده از فرمول متعارف و شناخته شده کوکران با احتساب ضریب خطای قابل قبول ۵ درصد و با حداقل درجه اطمینان ۵ درصد تعداد ۳۹۰ نفر از کل جمعیت پاسخ‌گو در مناطق ۲، ۸ و ۱۶ انتخاب شدند. لازم به توضیح است که میزان جمعیت نمونه در مناطق مختلف با توجه به فراوانی و حجم پراکندگی جمعیت با استفاده از تناسب درصدی بر اساس تعداد خانوارها تعیین شدند.

جدول شماره (۱): حجم و میزان نمونه منتخب در هر منطقه

T	p	d	n	منطقه ۱۶	منطقه ۸	منطقه ۲	جمع	
۲	%۰.۵	%۰.۵	۴۰۰	۷۴۶۳۷	۲۵۰۱۴۲	۱۶۶۷۵۶	۴۹۱۵۳۵	جمعیت
				۶۰	۲۰۵	۱۳۵	۴۰۰	نمونه

در این مطالعه برای محاسبه حجم نمونه جهت پر کردن پرسشنامه از فرمول «کوکران» استفاده شده است. در این فرمول: N = جمعیت آماری T = ضریب اطمینان ۹۵٪ برابر $۱/۹۶$ و d = دقت احتمالی مطلوب که نصف فاصله اطمینان است. فاصله‌ی اطمینان p در تحقیق ۱۰٪ در نظر گرفته شده، پس دقت احتمالی مطلوب ۵٪ محاسبه شده است.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب سن، تأهل، شغل و سطح تحصیلات

از کل نمونه ۳۹۰ نفری، تعداد ۹۵ نفر برابر با ۲۴/۳۵ درصد در فاصله‌ی سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۲۲ نفر برابر با ۵۶/۹ درصد در فاصله‌ی سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۷۳ نفر برابر با ۱۸/۱ درصد در فاصله‌ی سنی ۴۱ تا ۵۰ سال قرار دارند. بنابراین بیشترین توزیع فراوانی در فاصله‌ی سنی ۳۱ تا ۴۰ سال می‌باشد. ۳۷/۸ درصد جمعیت مورد مطالعه مختص به مجردین، ۵۶ درصد مختص متأهلین، ۴ درصد مختص مطلقه‌ها و ۱ درصد مختص بیوگان می‌باشد، بر این اساس مد یا نمای حجم نمونه مربوط به گروه دوم یعنی متأهلین می‌باشد.

توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب شغل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد، محصلین و دانشجویان ۱۰/۵ درصد، شاغلین بخش آزاد ۲۳/۸ درصد، فرهنگیان ۹/۲ درصد، شاغلین بخش دولتی ۳۶ درصد، شاغلین بخش خدماتی ۰/۵ درصد، خانه‌داران ۱۶/۵ درصد و بیکاران ۳/۵ درصد را به خود اختصاص دادند. بر این اساس مد یا نما مختص به گروه مشاغل دولتی است.

۴۰ نفر برابر با ۱۰/۲۵ درصد زیردپلم، ۶۰ نفر برابر با ۱۵/۳۸ درصد دپلم، ۸۱ نفر برابر با ۲۰/۷ درصد فوق دپلم، ۱۵۴ نفر برابر با ۳۹/۴۸ درصد لیسانس و ۴۷ نفر برابر با ۱۲/۵ درصد در مقطع فوق لیسانس و بالاتر درس خوانده‌اند. با توجه به جدول بیشترین فراوانی افراد نمونه در مقطع لیسانس تحصیل کرده‌اند.

یافته‌های استنباطی

فرضیه‌ی اول: رابطه شهرگرایی و از خودبیگانگی محیطی

فرضیه‌ی اول از نظریات مارکس، وبر، زیمل و سیمن استخراج شده است. به اعتقاد زیمل زندگی در کلان شهر و عقلانیت ناشی از آن و همچنین فردگرایی، باعث افزایش میزان از خود بیگانگی می‌شود. بر اساس نظریه مارکس و وبر انسان در جامعه جدید نوعی احساس بی‌قدرتی دارد که نوعی از خودبیگانگی را در بر دارد. برای تأیید یا رد موقتی فرضیه فوق با توجه به سطح سنجش دو متغیر که فاصله‌ای هستند ضریب همبستگی پیرسون به عنوان آزمون آماری انتخاب گردیده است. ضریب همبستگی این دو متغیر

۰/۰۶۶ با سطح معناداری ۰/۰۲۳ می‌باشد، مورد تأیید واقع شده است. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و از خود بیگانگی زنان در شهر تهران به عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱): تحلیل ضریب همبستگی فرضیه شهرگرایی و از خودبیگانگی محیطی

از خودبیگانگی انسان‌ها در شهر	شهرگرایی		
۰/۰۶۶	۱	آزمون پیرسون	شهرگرایی
۰/۰۲۳		سطح معناداری	

توزیع فراوانی وضعیت از خودبیگانگی پاسخگویان

درصد	فراوانی	از خودبیگانگی
۸/۲	۳۲	پایین
۱۳/۵	۵۳	متوسط
۷۸/۳	۳۰۵	بالا
۱۰۰	۳۹۰	جمع کل

با توجه به جدول فوق ۷۸/۳ درصد از زنان جامعه نمونه از خودبیگانگی بالایی دارند.

فرضیه دوم: رابطه شهرگرایی و افزایش کنش عقلانی

فرضیه دوم این پژوهش از نظریات وبر و زیمل استخراج شده است. در واقع عقلانی شدن یک شیوه‌ی دفاعی برای شخصیت شهری است که یک ارگان محافظ برای خود در مقابل تغییرات سریع، محرک‌های بیشمار و عدم پیوستگی محیط بیرون بوجود آورده است. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۱۵۸ با سطح معناداری ۰/۰۰۴ می‌باشد که مورد تأیید واقع شده است. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و عقلانی شدن کنش فردی در شهر به عنوان متغیر وابسته رابطه‌ی معناداری وجود دارد. باید بگوییم که هرچه شهرگرایی بیشتر رخ دهد، عقلانی شدن کنش فردی زنان در شهر افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۲): ضریب همبستگی شهرگرایی و افزایش کنش عقلانی

عقلانی شدن کنش فردی در شهر	شهرگرایی		
۰/۱۵۸	۱	آزمون پیرسون	فرهنگ شهرگرایی
۰/۰۰۴		سطح معناداری	

توزیع فراوانی وضعیت عقلانیت پاسخ‌گویان در رفتارها و روابط اجتماعی

عقلانی شدن کنش فردی	فراوانی	درصد
پایین	۴۰	۱۰/۳
متوسط	۵۰	۱۲/۸
بالا	۳۰۰	۷۶/۹
جمع کل	۳۹۰	۱۰۰

با توجه به جدول فوق ۷۶/۹ درصد از زنان جامعه نمونه دارای کنش عقلانی بالایی هستند.

فرضیه سوم: رابطه شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی

فرضیه سوم این پژوهش از نظریات دورکیم و ورث استخراج شده است به نظر دورکیم در وضعیت ارگانیکی جوامع حالتی از زوال و از دست دادن همبستگی و یکپارچگی ایجاد می‌شود. از نظر ورث، بزرگی یک جامعه و شهر باعث محدود شدن روابط اجتماعی، کم شدن آشنایی‌های صمیمی و بریده بریده شدن تماس‌های اجتماعی می‌گردد. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۱۶۰ با سطح معناداری ۰/۰۰۸ می‌باشد که مورد تأیید واقع شده است. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و کاهش انسجام اجتماعی افراد در شهر به عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد. باید بگوییم که هرچه شهرگرایی بیشتر رخ دهد، کاهش پیوند اجتماعی زنان در شهر افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۳): ضریب همبستگی فرضیه فرهنگ شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی

کاهش انسجام اجتماعی افراد در شهر	شهرگرایی		
۰/۱۶۰	۱	آزمون پیرسون	شهرگرایی
۰/۰۰۸		سطح معناداری	

توزیع فراوانی وضعیت کاهش انسجام اجتماعی پاسخ‌گویان

کاهش انسجام اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۲۲	۵/۷
متوسط	۷۳	۱۸/۷
بالا	۲۹۵	۷۵/۶
جمع کل	۳۹۰	۱۰۰

با توجه به جدول فوق متغیر کاهش انسجام اجتماعی زنان در سطح بالایی می‌باشد و ۷۵/۶ درصد از زنان جامعه نمونه را شامل می‌شود.

فرضیه چهارم: رابطه شهر گرایی و کاهش ایستار عاطفی

فرضیه چهارم از نظریات زیمل و ورث و فیشر استخراج شده است. از نظر ورث جدایی‌های فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می‌شود و از نظر فیشر شهرنشینان به دلیل وجود عوامل اکولوژیکی، نه می‌توانند و نه می‌خواهند با هر کسی که می‌بینند باب دوستی و ارتباط را بگشایند. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۰۸۰ با سطح معناداری ۰/۰۲۰ می‌باشد که مورد تأیید واقع شده است. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و کاهش پیوند عاطفی زنان در شهر به عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): ضریب همبستگی فرضیه شهرگرایی و کاهش ایستار عاطفی

کاهش پیوند عاطفی	شهرگرایی		
۰/۰۸۰	۱	آزمون پیرسون	شهرگرایی
۰/۰۲۰		سطح معناداری	

توزیع فراوانی وضعیت کاهش پیوند عاطفی پاسخ‌گویان

کاهش پیوند عاطفی	فراوانی	درصد
پایین	۵۰	۱۲/۸
متوسط	۶۶	۱۶/۹
بالا	۲۷۴	۷۰/۳
جمع کل	۳۹۰	۱۰۰

با توجه به جدول فوق، متغیر کاهش پیوند عاطفی زنان در سطح بالایی است و ۷۰/۳ درصد از زنان جامعه نمونه را شامل می‌شود.

فرضیه پنجم: رابطه شهرگرایی و افزایش فردگرایی

فرضیه پنجم این پژوهش از نظریات زیمل استخراج شده است. از نظر زیمل ذهن مدرن حسابگر است. دقت حسابگرانه‌ی زندگی عملی و روزمره که اقتصاد پولی آن را به همراه آورده است با آرمان علوم طبیعی انطباق دارد؛ تبدیل جهان به مسئله ریاضی و تبیین همه بخش‌های جهان با فرمول‌های ریاضی، آنچه زندگی روزانه‌ی شمار بسیاری از آدمیان را با محاسبه و توزین و محاسبات عددی و تقلیل ارزش‌های کیفی به کمی پر کرده است. اقتصاد پولی باعث تفوق روح عینی بر روح ذهنی است، این امر مهم‌ترین دلیل تقویت روحیه‌ی فردگرایی در کلان شهرها می‌باشد. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۱۱۸ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد که مورد تأیید واقع شده است. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و فردگرایی در شهر به عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که هرچه زنان شهرگراتر باشند، میزان فردگرایی آنان در شهر افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۵): ضریب همبستگی رابطه شهرگرایی و افزایش فردگرایی

فردگرایی در شهر	شهرگرایی		
۰/۱۱۸	۱	آزمون پیرسون	شهرگرایی
۰/۰۰۰		سطح معناداری	

توزیع فراوانی وضعیت فردگرایی پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	فردگرایی
۱۰/۸	۴۲	پایین
۲۱/۳	۸۳	متوسط
۶۷/۹	۲۶۵	بالا
۱۰۰	۳۹۰	جمع کل

با توجه به جدول فوق میزان فردگرایی زنان بالا می‌باشد که ۶۷/۹ درصد از زنان جامعه نمونه را شامل می‌شود.

تحلیل چند متغیره

هرچند آزمون‌های دو متغیره که برای سنجش صحت و سقم فرضیات پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد ضروری می‌نماید، اما به منظور دستیابی به تصویر روشن‌تری از عوامل مؤثر بر شهرگرایی مبادرت به انجام تحلیل رگرسیون چندگانه می‌شود. برای تحلیل رگرسیونی چندگانه چند روش وجود دارد که در این پژوهش از روش گام به گام استفاده شده است. برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، با در نظر گرفتن متغیر میزان ایستارهای اجتماعی و فرهنگی به عنوان متغیر وابسته، متغیرهای مستقل شهرگرایی وارد معادله و تحلیل شده‌اند. برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، با در نظر گرفتن متغیر میزان شهرگرایی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل شامل گرایش به زندگی شهری، تعلق مکانی، تمایل به روابط اجتماعی گسترده، تمایل به فرهنگ ناهمگن وارد معادله و تحلیل شده‌اند.

نتیجه آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه حاکی از این است که متغیر شهرگرایی وارد مدل شده است و میزان R^2 توانسته است ۲۸/۶ درصد واریانس متغیر ایستارهای اجتماعی و فرهنگی زنان را تبیین می‌نماید و

تحلیل جامعه‌شناختی رفتار شهرگرایی زنان شهر تهران ۷۹

۷۱/۴ درصد واریانس باقیمانده توسط متغیرهای دیگر تبیین می‌شود. از نظر محقق ممکن است عناصر و مؤلفه‌های چندگانه‌ای که در این تحقیق به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند از طریق متغیرهای دیگری تبیین شوند. متغیرهایی همچون رسانه‌های گروهی، گروه مرجع، ساختار خانواده و یا ریشه‌یابی تاریخی مسائل با انجام مطالعات تاریخی و اکتشافی درباره‌ی جامعه‌ی ایران و پی بردن به عواملی که باعث تضعیف کلیت و پیوند اجزاء جامعه می‌شود. عواملی که باعث می‌شود میزان تعهد جمعی کنشگران پائین بیاید و افراد منافع خصوصی را بر منافع جمعی ترجیح دهند و یا عوامل تاریخی که باعث کاهش انسجام اجتماعی و تضعیف تعلق ساختی افراد می‌شود.

گام	نام متغیر	معناداری F	F	R	R ²	افزوده شده R ²	خطای استاندارد
گام اول	گرایش به زندگی شهری	۰/۰۰	۳۲/۰۷۳	۰/۲۸۲	۰/۰۸۰	۰/۰۷۷	۱۵/۵۹۲
گام دوم	تمایل به روابط اجتماعی گسترده	۰/۰۰	۲۱/۷۹۸	۰/۳۱۵	۰/۰۹۹	۰/۰۹۵	۱۷/۴۳۵
گام سوم	تعلق مکانی	۰/۰۰	۱۷/۷۲۲	۰/۳۳۲	۰/۱۴۰	۰/۱۰۳	۱۷/۳۵۵
گام چهارم	تمایل به فرهنگ ناهمگن	۰/۰۰	۱۴/۲۹۰	۰/۵۳۴	۰/۲۸۶	۰/۱۹۲	۱۴/۳۷۷

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر به منظور بررسی تجربی تأثیر شهرگرایی بر رفتار یا ایستار فرهنگی و اجتماعی زنان ساکن در شهر تهران انجام شده است. شهر تهران با روند رو به رشد شهرنشینی و مهاجرت گسترده از شهرها و روستاهای دیگر به این شهر روبرو بوده و انجام تحقیقی پیرامون این موضوع، جهت شناخت میزان شهرگرایی زنان ساکن در شهر تهران و تأثیرات آن بر رفتار و سلوک فرهنگی و اجتماعی آنان حائز اهمیت است. در جامعه شناسی شهری نظریات گوناگونی در رابطه با شهر، شهرنشینی و شهرگرایی و تأثیر آن بر کنش‌ها، رفتار و نگرش‌های افراد و شیوه‌ی زندگی شهرنشینان مطرح شده است، به طور نمونه زیمل بیشتر به بررسی حیات ذهنی یا آنچه در ذهن یک فرد درباره‌ی شهر وجود دارد، پرداخته است. به اعتقاد زیمل، پول وسیله‌ی انجام معاملاتی است که عوامل معامله‌ای در آن از جهت مکانی بسیار جدا از هم هستند. به همین دلیل عامل فاصله‌گیری افراد از مکان شناخته شده‌شان محسوب می‌شود. ماکس وبر مسئله بحران عقلانیت در شهرهای جدید غربی و خطر کاهش پیوندهای معنوی و انحطاط هویت انسانی را آغاز تحول جدید در تمدن جدید تلقی نمود. وبر در رابطه با تأثیر شهرگرایی بر ازخودبیگانگی، به بحث تشدید عقلانیت و

بوروکراتیزه شدن زندگی در اثر غلبه علوم پوزیتیویستی بر زندگی اشاره می‌کند. زیمل بر زندگی مدرن، شهرنشینی، تخصصی شدن حاصل از آن و تسلط پول و مادیات بر جامعه تأکید دارد. در رابطه با متغیرهای تحقیق همچون شهرگرایی و از خودبیگانگی محیطی با سطح معناداری ۰/۰۲۳، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و از خود بیگانگی زنان در شهر تهران به عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد و رابطه تأثیر شهرگرایی بر از خودبیگانگی افراد تأیید می‌شود. همچنین رابطه شهرگرایی و افزایش کنش عقلانی با سطح معناداری ۰/۰۰۴ مورد تأیید واقع شده است. به بیان دیگر هرچه شهرگرایی بیشتر رخ دهد، عقلانی شدن کنش فردی زنان در شهر افزایش می‌یابد. رابطه شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی نیز با سطح معناداری ۰/۰۰۸ مورد تأیید واقع شد، به طوری که هرچه شهرگرایی بیشتر رخ دهد، پیوند اجتماعی زنان در شهر کاهش می‌یابد. رابطه فرهنگ شهرگرایی و کاهش ایستار عاطفی نیز سطح معناداری ۰/۰۲۰ و رابطه شهرگرایی و افزایش فردگرایی نیز با سطح معنی‌دار زیاد، تأیید شد. بدین معنی که هرچه زنان شهرگراتر باشند میزان فردگرایی آنان در شهر نیز افزایش می‌یابد.

فرآیند تحقیقات نظری و تجربی بیان‌گر تغییر در هویت اجتماعی و فرهنگی زنان ساکن در شهر تهران و ظهور نسل جدیدی است که به دلیل جابجایی ارزش‌ها و سنت‌های تاریخی در محیط‌های شهری صنعتی، هویت یکپارچه‌ی آنان در معرض تهدید قرار گرفته است.

شواهد آماری تحقیق نشان می‌دهد زنان شهر تهران از فردگرایی بالایی برخوردار هستند، همچنین فراوانی از خودبیگانگی، کاهش انسجام اجتماعی نیز در سطح بالایی قرار دارد و روابط افراد بیشتر از نوع ثانویه است و همبستگی اجتماعی رو به کاهش رفته و فردگرایی و فاصله‌گیری افراد از یکدیگر رو به افزایش است و متغیرهای محیط شناختی شهر نظیر افزایش و تراکم جمعیت، محرک‌های تأثیرگذار شهری، گروه‌های مختلف مردمی و ناهمگونی اجتماعی به اندازه‌ای رسیده است که تأثیرگذاری عمده‌ای بر افراد گذارده و به موازات آن، زنان مورد بررسی، شهرگرا شده‌اند، چنانچه افزایش میزان پیوند اجتماعی شهروندان و کاهش میزان از خودبیگانگی آنان، جزء اهداف مدیران اجتماعی، کارگزاران امور فرهنگی، مسئولین، رسانه‌ها و حتی خانواده‌ها قرار گیرد، ضروری است اهتمام لازم جهت تقویت و درونی کردن هویت فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و ملی در بین شهروندان می‌ذول گردد، چرا که هرگونه ادراک نادرست در احساس بی‌هویتی، خلأ شناختی، ابهام، حیرت و سردرگمی شهروندان، ضایعات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد

داشت. تقویت فرآیند فرهنگی شدن ارتباطات صحیح شهروندی و شهرنشینی با توجه به پیامدهای گذار از سنت به مدرنیته و جلوگیری از تأثیرگذاری برخی از رفتارهای ارتباطی غلط و اختلالات ارتباطی که در عرصه‌های مختلف زندگی تعاملی شهروندان بوجود می‌آید و به آسیب‌های شهرنشینی دامن می‌زند، لازم و ضروری می‌باشد و همچنین تشویق به رفتارهای انسانی و اخلاقی و آموزش آموزه‌های ارتباطات اخلاقی به شهروندان اجتناب ناپذیر است.

منابع

- آبراهامز، جی.اچ (۱۳۶۹) مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن پویان، تهران: چاپخش.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۶) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری، چ دوم، تهران: انتشارات شبگیر.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات پیام نور.
- دواس، دی، ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- ساعی، علی (۱۳۸۳) جزوه روش تحقیق، دانشگاه تربیت مدرس.
- سگان، مارتین (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- شارع پور، محمد (۱۳۸۳) بررسی مسائل اجتماعی ایران - ابعاد و کارکردهای اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، تهران: انتشارات پیام نور.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی شهری، تهران: نشر سمت.
- شکوئی، حسین (۱۳۷۳) تحلیل و نقد مکتب اکولوژی شهر شیکاگو، نشریه مدرس، ش ۱.
- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی شهری، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- قنادان، منصور و همکاران (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران: نشر آوای نور.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چ سیزدهم، تهران: نشر نی.
- گیلبرت، آلن و ژوز گاکلر (۱۳۷۵) شهرها، فقر، توسعه، ترجمه: پرویز کریمی ناصری، چ اول، تهران: اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی شهر، چ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی، سیدیعقوب (۱۳۷۸) تبیین نظری جامعه‌شناختی جرایم شهری، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۴۴-۱۴۳، تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.

- Flanagan G. W** (1993) *Contemporary Urban Sociology*, Cambridge: Cambridge, Population.
- Gans, Herbert J** (1969) Urbanism and Suburbanize as way of life, in R.E.Phal(Ed), *Readings in Urban Sociology*, Oxford: Pergamum Press, pp: 99-101.
- Gottdiener, M and L. Budd** (2005) *Key Concepts in Urban Studies*, second Edition, London, Thousan Oask and New Dehly: Sage publication.
- Gottdiener, M and R. Hutchison** (2006) *the New Urban Sociology*, Third Edition, and Colorado: West View Press.
- Habit-International** (2005) *World Environment and Resources*. Oxford, New York, pp.506-629.
- Le Gate, Richard T. and Stout Fredric** (2007) *The City Reader*, Forth Edition, London and New York :Rutledge.
- Miles, Malcolm** (2007) *cities and cultures*, London and New York, Rutledge
- Microsoft ® Encarta ® 2009. © 1993-2008 Microsoft Corporation. All rights reserved
- Park, R.E** (1969) *The City: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in The Urban Environment*, in Richard Sennet(Ed).
- Seaman, Melvin and Neal, Arthur** (1972) *Organizational Powerlessness*, American Sociological Rivew.
- Simmel, G** (1971) *on Individuality and social Forms(ed)*, by Levine, D,N. Chicago: The University of Chicago Press.
- Simmel, G** (1969) *The Metropolitan and Mental Life*, in Richard Sennet(Ed), *Classic Essays on the Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation, pp: 47-60.
- Saunders, peter** (1987) *social theory and the Urban Question*; p. 24.
- Wirth, L** (1938) *Urbanism as a way of Life*, *The American Journal of Sociology*, July, Volume XLIV, Number 1, pp: 1-24.
- Wirth, L.** (1969) *Rural Urban Differences*, in Richard Sennet(ed), *Classic Essays on The Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation, pp:165-169.